

(۲۸۱) التائب حبيب الله - توبه کننده محبوب خدا است

چنين فرمود شاه کشور جان بود تائب حبيب حى سبحان

(باب الباء)

(۲۸۲) بكاء العيون و خشية القلوب من رحمة الله - گریستن چشمها و ترس

دلها از رحمت خدا است.

بکاء چشم و خوف دل يقين دان که هر يك رحمتند و فيض يزدان

(۲۸۳) بورك لامتى فى بکورها -- بر صکت داده شده است برای امت

من در صبحگاه ایشان (اشاره به آنکه امت من از برکات صبح و فواید آن باید

بهره مند شوند)

بر این امت مبارك صبحگاه است که ایشانرا سوى هر کار راه است

ز خواب صبح انسان در ضررهاست بسی در جان و مال او خطرهاست

بود این خواب بر انسان بسی شوم که از لذات کویین است محروم

(۲۸۴) بل اعقلها و توکل - مردی در حضرتش عرض کرد توکل بر خدا

نمودم و شتر خود را رها کردم فرمود بلکه او را عقال کن و زانویش را ببند و توکل

بر خدا نما

یکی از خلق نادان سبک سر بود که او را عقال کن و توکل بر خداوند

که دارم من توکل بر خداوند که او را کن عقال و پس توکل

جهان چون دارا سبب است و تسبیب زحق باشد چه ترغیب و چه ترهیب

سبب را با توکل ساز مقرون نه بر هر يك به تنها باقى مقنون

(۲۸۵) بعثت للعالم مرکزاً و للعالم معدناً و للصبر مسکناً بر انگیزته

شدم برای بردباری مرکز و برای علم معدن و برای صبر مسکن

شدم مبعوث و گشتم مرکز حلم مکان هستم به صبر و معدن علم

(۲۸۶) بعثت الی الاسود والاحمر - مبعوث شدم من بسوی جن وانس
 هدم مبعوث من بر انس و برجان ز سوی خالق بیچون منمان
 (۲۸۷) بعثت یوم الاثنین واسلم علی یوم الثلاثاء - برانگیخته شدم من به
 چهارمیری روز دوشنبه واسلام آورد علی روز سه شنبه
 دو شنبه بعث کردم حی منان علی آورد روز بعد ایمان

(۲۸۸) بشر و المشائین فی الظلم بنور تام یوم القیامة - بشارت دهید کسانی
 را که راه میروند در رفع ظلم و ستم به نور تام در روز قیامت (اگر ظلم وارد در خیر
 راه به ضم ظا و سکون لام بخوایم) و باراه میروند در تاریکی های شب برای بر آوردن
 حاجات مردم (بنا بر اینکه ظالم وارد در خبر را بضم ظا و فتح لام بخوانیم)

پی دفع ستم آنکو روان است بشارت ده که از اهل جنان است
 بشارت ده که اندر روز محشر بنور تام می باعد منور
 و یا باشد از این فرموده مقصود که ره هر کس بشام تار پیمود
 برای حاجت بخلق از کرامت بنور تام باشد در قیامت

(۲۸۹) بنس القوم یجتلبون الدنیا بالدین - بدند قومیکه جلب دنیا
 میکنند بوسیله دین

بدین آنکو نماید جلب دنیا بد است و بد جزا بیند به عقبا
 (۲۹۰) بشر المستضعفین المقهورین بعدی بالجنة - بشارت ده ضعیفان و
 مظلومان پس از مرا به بهشت.

بشارت ده کسی را کو پس از من بود مقهور در چنگال دشمن
 ضعیف است اندر این دنیای فانی که در فردوس باشد جاودانی
 (۲۹۱) بروا ابانکم یرکم ابناکم - نیکی کنید پدران خود تا نیکی کنند
 باشما پسران شما

کنید ایخلق نیکی با پدرها که تا نیکی بینید از پسرها
 (۲۹۲) باکروا بالصدقة فان البلیا لا تخطأها - صبح کنید صدقه دادن که
 بلاها از آن قدم بر نمیدارند

تصدق دادن اندر صحبکامان کند دفع الا از جسم و از جان
 (۴۹۴) بنس العباد وله نطفة و آخره جيفة ثم لا يدري ما ينزل بين ذلك
 بداست بنده می که اول او نطفه است و آخر او مردار پس نمیداند که میان این
 دو چه میکند.

بداست آنکو از اول نطفه باشد پس از مرگش در آخر جیفه باشد
 میان این دو کار خود نداند بهر جا خواست اسب خود دوواند

(۴۹۴) بنس العبد خلق للعبادة فاللهته العاجلة عن الاجلة - بداست بنده می
 که خلق شده است از برای عبادت کردن پس مشغول کرده است او را لذات عاجله
 دنیا از نعم آجله آخرت

بدا آن بندگان بی سعادت که مخاوقند از بهر عبادت
 ولی از بهر این دنیای عاجل رها کردند از کف نفع آجل

(۴۹۵) بنس العبد عتی و بغی و نسی الاله - بداست بنده می که بزرگی بخود بندد
 وجور و فساد نماید و خدارا فراموش سازد.

بدا آن بنده با کبر بیبوش که حق را کرد از طغیان فراموش

(باب التاء)

(۴۹۶) تصافحوا فان التصافح يذهب السخيمة (۱) باهم مصافحه نماید که

مصافحه کینه و عداوت را از میان میبرد
 تصافح هست باعث بر مودت زدلهای برد سکین و عداوت
 زدست هم گرفتن مهر خیزد زدلهای سکینه و بغضا بریزد

(۴۹۷) تمسك بالطاعة اذا خفت الناس - متمسك بطاعت خداوندشوزمانی

که از مردم ترسیدی

اگر ترسیدی از مردم بطاعت تمسك جو بقدر استطاعت

(۴۹۸) تقبلوا الي بست اتقبل لكم بالجنة اذا حدثتم فلا تكذبوا و اذا
 وعدتم فلا تخذلوا و اذا اتممتهم فلا تخونوا و اذوا ابصاركم واحفظوا فروجكم

(۱) و باز نقل شده که فرمود (تمام النسيبة المصافحة)

و گفتوا اید یکم و الستکم - تقبل کنید برای من بشش چیز تا بپذیرم و قبول کنم برای شما بهشت را زمانی که حدیث گوید دروغ نگویید و وقتیکه وعده کردید خلاف ننمایید و زمانی که کسی شمارا امین خود قرارداد خیانت نکند و پیوسته چشمه‌های خود را از نامحرم پوشید و نگه دارید فرج خودتان را از حرام و باز دارید دستها و زبان های خود را از معاصی و صکر دار ناشایسته .

رسول اعظم یکتا خداوند	چنین گفتا به مردم از در پند
بشش چیز از زمین هرشش پذیرید	پذیرم من که آزاد از سمیرید
تقبل می کنم کامل بهشتید	دروغ اندر تکلم گر بهشتید
زخاف وعده گر وعده نماید	پرهیزید گر مرد خدا مید
امین گشتید چون خائن مباشید	بدل کرد خیانت را مپاشید
ز نامحرم همیشه چشم پوشید	بمحفظ فرج خود پیوسته کوشید
زبان و دست خود را باز دارید	ز عصیان خدا گر هوشیارید

(۴۹۹) تكن مؤمناً واحسن مجاورة من جاورك - مؤمن باش و با همسایه

و یکی رفتار کن

اگر هستی تو ز اهل دین و ایمان
بکن از روی لطف و مهربانی

(۴۰۰) تكن مؤمناً و اعلم بما فرض الله - مؤمن باش و عمل کن با آنچه

خدا فرض و واجب فرموده

بیار ایمان و واجب را بجا آر
که به زمین دو نباشد در جهان کار

(۴۰۱) تكن عابداً و ارض بقسم الله - بندگی کن و خشنود باش به

قسمت خداوند

عبادت مکن و مپباش خشنود
به آن قسمیکه دادت حتی معبود

(۴۰۴) تهادوا تحابوا ان الهدية تفتح الباب المصمت و تل سخيمة القلب

هدیه دهید بیکدیگر تا با هم دوست گردید بدرستی که هدیه باز میکند در بستر او

رفع میکند کینه را از دل